

دومره نامه

پای بندی به اصول انسانی و اخلاقی

در قیام عاشورا



مجلس شورای اسلامی ایران
روابط عمومی

السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ اصحابکم

پای بندی به اصول انسانی و اخلاقی در قیام عاشورا

اشاره

حماسه عاشورا، صحنه تقابل انسانیت و اخلاق و ضد اخلاق است. همان گونه که امام حسین علیه السلام و یاران گرامی اش معلمان اخلاق و اسوه های انسانیت هستند و به تمام اصول اخلاقی و انسانی به تمام معنا متعهدند، دشمنان شان هم در جنایت و حیوانیت و سبوعیت گوی سبقت را از اقران ربوده اند. در یک کلام می توان گفت عاشورا، بهترین جلوه گاه خوبی ها و بدی هاست. در اردوگاه امام حسین علیه السلام، عصاره انسان های وارسته و بندگان صالح الهی جمع اند و در اردوگاه یزیدیان، تمام افراد خود فروخته و شیطان صفت صف کشیده اند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در ستایش از یاران خود فرمود: «فَأَنِّي لَا أَعْلَمُ لِي أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي»؛ نیز در معرفی یزیدیان در زیارت اربعین می خوانیم: «وَقَدْ تَوَارَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَزَّتْهُ الدُّنْيَا وَشَرِي أَخِرَّتُهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ؛ و همدست شدند علیه آن حضرت، کسانی که دنیا فریب شان داد و فروختند آخرت شان را به بهای اندک و ناچیز».

اهدافش ذره ای از اصول اخلاقی و موازین انسانی عدول نکرد؛ حتی بارها مخالفان و دشمنان سرسخت خود را به سوی رشد و هدایت و کرامت دعوت می کند و آنها را هم به پای بندی به اصول اخلاقی ترغیب می فرمود: «فَإِنْ تُجِيبُوا دَعْوَتِي وَتُطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛ اگر به سخنم گوش دهید و از فرمانم اطاعت کنید، شما را به راه رشد و کمال راهنمایی خواهم کرد».

نازم آن آموزگاری را که در يك نصف روز دانش آموزان عالم را چنین دانا کند ابتدا قانون آزادی نویسد در جهان بعد از آن با خون هفتاد و دو تن امضا کند نقد هستی داد و هستی جهان يك جا خرید عاشق آن باشد که چون سودا کند، يك جا کند عقل مات آمد ز دانشگاه سیار حسین کاین چنین غوغا به پا در صحنه دنیا کند

۱. اصل عزت و کرامت انسان

پای بندی به اصل عزت و کرامت انسان، از مبانی حماسه عاشورا است که ریشه در آیات الهی دارد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، [بر مرکب های راهوار] حمل کردیم؛ و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم».

بر اساس این اصل، همه انسان ها عزیزند و تکریم شان

سیاست مداران در حرکت های سیاسی به طور معمول برای افزودن به هواداران خود از ابزارهای مختلف استفاده می کنند تا بهره برداری های سیاسی کنند؛ اما امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا - با اینکه به شدت به نیروی انسانی نیاز داشتند - هرگز برای پیشبرد

السلام علیکم كما هدانا للنور

عاشوراییان، انسان‌های آزاده‌ای بودند که از رواج گناه، نابودشدن ارزش‌های الهی، شایع‌شدن برخی عقاید و خیال‌های باطل و ناهنجاری‌های فراوان جامعه به ستوه آمده بودند و از تحقیر و خدشه‌دارشدن کرامت مسلمانان رنج می‌کشیدند و در دل‌های خود آرزوی رهبری شایسته و لایق را انتظار می‌کشیدند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام، با یاری آن عده به ظاهر اندک، پیام عاشورایی خود را در بلندای تاریخ منتشر کرد و بازگرداندن عزت و افتخار به مسلمانان را سرلوحه قیام خود قرار داد. هنگامی که دشمن آن گرامی را در قتلگاه آماج تیرهای خود قرار داد و از سوی دیگر به سوی خیمه‌ها هجوم می‌بردند، سرور آزادگان فریاد برآورد:

وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ عَرَباً كَمَا تَزْعُمُونَ؛ وای بر شما، ای پیروان آل ابی سفیان، اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی‌ترسید، دست‌کم در دنیای خود آزاده باشید و اگر خود را عرب می‌دانید، به خلق و خوی عربی خویش پای بند باشید؛ یعنی کرامت انسانی خود را که دار نکنید.

۲. اصل وفای به عهد

وفای به عهد از دیگر اصول مسلم قرآنی و اخلاقی است که اهل ایمان به شدت به آن پای بندند؛ چراکه خداوند متعال فرمود: «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا؛ کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند».

لازم، مگر اینکه خود را از درجه انسانیت ساقط کنند. فلسفه قیام عاشورا، احیای کرامت پایمال شده انسان‌ها بود که امام علیه السلام با شعار کرامت و نفی ذلت انسان‌ها، قیام خود را جاودانه کرد. آن حضرت با ندای «هیئات مِنَّا الدِّلَّةَ»، راه به دست آوردن عزت و افتخار را آموخت که عزت حقیقی فقط در سایه توجه به خدا و در پرتو عمل به قانون الهی است: إِنَّ الدَّعِيَ ابْنِ الدَّعِيَ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ السِّلَّةِ وَالدِّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الدِّلَّةُ يَا بِيَّ اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَحُجُورٌ ظَهَرَتْ وَنُفُوسٌ أَيْبَةٌ وَأَنْوْفٌ حَمِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتَرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛

این [یزید] ناپاک‌زاده، فرزند ناپاک‌زاده مرا میان دو انتخاب قرار داده است: کشته‌شدن یا قبول ذلت و چقدر دور است که ما تن به ذلت دهیم. خداوند و پیامبر او و مؤمنان هرگز برای ما ذلت و زبونی نمی‌پسندند و نیاکان پاک سرشت و دامن‌های پاکی که ما را پرورانده‌اند و بزرگ‌مردان غیرتمند و انسان‌های باشرفات این راز ما نمی‌پذیرند. هرگز ما فرمان‌برداری فرومایگان را بر مرگ شرافت‌مندان ترجیح نخواهیم داد.

انسان‌های وارسته که هیچ‌گاه توان تحمل حقارت‌ها و حرکت‌های ذلت‌آور و افراد پست و فرومایه را ندارند و به هیچ قیمتی حاضر به فداکردن ارزش‌های انسانی و کرامت خود نیستند، به پیام کرامت‌بخش حسینی لبیک گفتند و در قیام عاشورا شرکت جستند.

السَّلامُ عَلَیْكُمْ کَمَا هُوَ الْبَدَأْتُ فِیهِ

هرگز شما را رها نمی‌کنیم تا بعد از شما زنده بمانیم؛ خداوند هرگز چنین روزی را نیاورد». بعد دیگر یاران هم وفاداری را به اوج رساندند.

شاهان من ار به عرش رسانم سریر فضل مملوک این جنابم و محتاج این درم گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر این مهر بر که افکنم و این دل کجا

نمونه دیگر هنگامی بود که سالار شهیدان در مقابل باران تیر دشمن به نماز ایستاد. چند نفر از یاران امام به نام‌های زهیر بن قین، سعید بن عبدالله حنفی و عمرو بن قرظه انصاری برای محافظت از امام علیه السلام پیشاپیش ایستادند، سینه‌هایشان را در مقابل تیرهای دشمن سپر قرار دادند و حضرت به همراه یاران باقی مانده خود، نماز ظهر عاشورا را اقامه کردند.

سعید که در مرکز خطر ایستاده بود، تیرهای دشمن را با دست و صورت و سینه‌اش دفع می‌کرد. هنگامی که نماز به پایان رسید، او با بدنی خونین به زمین افتاد و درحالی که نفس‌های آخر را می‌کشید، چشمانش را گشود و با تبسمی ملیح به سیمای امام حسین علیه السلام نگریست و در همان لحظه به امام عرض کرد: «أَوْفَيْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ ای پسر رسول خدا، آیا من به عهد خود وفا کردم؟» سرور آزادگان از جان‌نثاری و فداکاری سعید تقدیر کرد و بالحنی رضایت‌آمیز فرمود: «نَعَمْ، أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ؛ تو در بهشت، پیشاپیش من خواهی بود».

بر اساس همین فرمان، حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یارانش نیز به عهد و پیمان‌های خود کاملاً متعهد بودند و به آن وفای کردند؛ اما در مقابل کوفیان عهد خود را شکستند و البته اثر عهدشکنی‌شان را هم دیدند که تسلط ستمگران بر آنان از جمله آن آثار بود. امام باقر علیه السلام فرمود: أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةً: رَجُلٌ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ وَيُكَافِيكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةً، وَرَجُلٌ لَا تَبْغِي عَلَيْهِ وَهُوَ يَبْغِي عَلَيْكَ، وَرَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ فَمِنْ أَمْرِكَ الْوَفَاءُ لَهُ وَمِنْ أَمْرِهِ الْعَدْوُ بِكَ، وَرَجُلٌ يَصِلُ قَرَابَتَهُ وَيَقْطَعُ وُتَّهُ؛ چهار چیز است که کیفرشان از هر گناهی زودتر به انسان می‌رسد: کسی که تو به او خوبی کنی و او پاداش آن را به بدی دهد؛ کسی که تو به او ستم نکنی و او به تو ستم کند؛ کسی که در کاری با او پیمان بندی و تو به پیمانت وفادار مانی و او پیمان شکنی کند؛ و کسی که تو با او پیوند برقرار کنی و او پیوند ببرد.

کوفیان در مقابل خوبی، هم بدی کردند، هم ستم روا داشتند، هم پیمان شکستند و هم پیوند بریدند.

او وفای عهد را با سر کند سودا ولی

خون به دل از کوفیان بی وفا دارد حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در خطبه معروف فرمود: «إِنِّي قَدْ أَذْنُتُ لَكُمْ...؛ من به همه شما رخصت رفتن دادم...»؛ آن‌گاه چراغ را خاموش کرد و فرصت خوبی برای رفتن بود. اولین کسی که کمال وفاداری خود را ابراز داشت، حضرت عباس علیه السلام بود که فرمود: «أَقَا، مَا

السلام علیکم وعلیٰ اهل البیت

أَقْدِمُ عَلَىٰ هَذَا الْبَلَدِ حَتَّىٰ أَتْتَنِي كُتُبُكُمْ...؛ ... من پیش شما نیامدم مگر پس از آنکه نامه‌ها و فرستاده‌هایتان رسید». این تعبیر نشان‌دهنده عمل به تکلیف از سوی امام است. یاران او نیز همین‌گونه بودند و برای انجام تکلیف الهی در راه نصرت او شهید شدند. امام علیه السلام دربارهٔ همراه آوردن خانواده فرمود: «إِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا؛ خدا می‌خواهد آنان را در لباس اسارت ببیند»؛ یعنی تکلیف است و مشیت الهی و رضایت خداوند در آن است. بُرَدَن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب و رنه این بی‌حرمتی‌ها کی روا دارد حسین علیه السلام

۴. اصل آزادگی

پایبندی به اصل حریت و آزادی از تعلقات مادی، میان عاشوراییان موج می‌زد؛ از یک سو افراد دشمن خود را بردهٔ حکومت ستمگر اموی می‌دانند و از سوی دیگر انسان‌هایی آزاده در صف یاران حضرت سیدالشهدا علیه السلام ایستاده‌اند. سرور آزادگان جهان تربیت یافته مکتب آن آزادمردی است که آزادی را در نهج البلاغه این‌گونه معنا می‌فرماید: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ آیا آزادمردی نیست که این لقمهٔ جویدهٔ حرام دنیا را به اهلش واگذارد؛ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید».

امثال عمرسعد و دیگران چنان بردهٔ زرق و برق دنیا و وعدهٔ دنیاپرستان شده بودند که تشخیص حق و باطل

در مقابل امام حسین علیه السلام و یارانش، پیمان‌شکنی در جبهه مخالف امری عادی دانسته می‌شد. آنان دروغ‌گفتن و بی‌وفایی و عهدشکنی را سرلوحه کارشان قرار داده بودند؛ به گونه‌ای که زینب کبری علیه السلام در خطبه کوتاه، ولی به جا و دقیق و پربرابر، بی‌وفایی کوفیان را به رخ آنان کشید: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْخُتْلِ وَالْعَدْرِ...؛ ای مردم کوفه، ای نیرنگ‌بازان و بی‌وفایان، ... مَثَلُ شَمَا مَثَلُ أَنْ زَنَى اسْتِ كِهْ پَشْمِ هَايِ خُودِ رَا پَسِ از مُحَكَمِ بَا فْتَنِ، از هَمِ مِي گَسَسْتِ وَ ضَايَعِ مِي نَمُودِ. شَمَا هَمِ سُو گَنْدِهَا وَ پِيْمَانِ هَايِ خُودِ رَا وَ سِيْلِهْ خِيَانَتِ وَ فِسَادِ قَرَارِ مِي دِهِيْدِ».

۳. اصل مسئولیت‌پذیری و عمل به تکلیف

اصل مسئولیت‌پذیری و عمل به تکلیف الهی، از دیگر فضایل اخلاقی و انسانی و قرآنی است که در مکتب عاشورا به شایستگی جلوه می‌کند. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود: «أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مَا أَرَادَ اللَّهُ بِنَا، قُتِلْنَا أَمْ ظَلَمْنَا؛ به خدا، من امیدوارم که آنچه خدا برای ما خواسته، نیک باشد؛ کشته شویم یا ظفر یابیم». وقتی نامه‌های پیاپی مردم کوفه به امام حسین علیه السلام رسید و از ایشان دعوت برای آمدن به کوفه کردند و وعده نصرت و حمایت دادند، امام علیه السلام احساس تکلیف برای رفتن کرد. هر چند می‌دانست مردم کوفه چگونه‌اند، ولی آن دعوتنامه‌ها و اعلام حمایت‌ها تکلیف‌آور بود؛ اما پس از برخورد با سپاه حر که راه را بر او بستند، حضرت ضمن خطبه‌ای به آنان فرمود: «إِنِّي لَمْ

السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ تبعکم

۵. اصل عدالت طلبی
 اصل عدالت خواهی، یکی دیگر از اصول مسلم مکتب عاشورا است که سالار شهیدان و یاران گرامی اش بر آن پای می‌فشردند. امام حسین علیه السلام ندای عدالت خواهی را در برابر دعوت مردم کوفه این‌گونه به گوش عالمیان رساند: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَالْأَخْذُ بِالْقِسْطِ...»؛ به جانم سوگند، امام و پیشوا تنها کسی است که به کتاب خدا عمل کند و عدل و داد را برپا دارد.»

این سخن سالار شهیدان، مهم‌ترین پیام قیام عاشورا را به عالمیان در طول تاریخ می‌رساند که هدف ایشان برقراری عدالت و ستم‌ستیزی میان احاد جامعه است و این دقیقاً همان استمرار قیام‌های عدالت خواهانه انبیای الهی و فلسفه بعثت آنهاست؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»؛ همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم... تا مردم به عدالت برخیزند،... و به همین دلیل در زیارت وارث، امام حسین علیه السلام را وارث پیامبران الهی می‌خوانیم.

اساساً عدالت خواهی نه تنها در قیام عاشورا به طور برجسته متبلور است، بلکه قیام‌های عدالت طلبانه بعد از این حادثه هم ریشه در عاشورا دارد.

۶. اصل خودسازی

اصل خودسازی و جهاد اکبر، از ارکان مکتب اباعبدالله

برایشان ناممکن بود. در مقابل آزادی از تعلقات دنیا، چنان به عاشوراییان بصیرت داده بود که ذره‌ای در انتخاب خود تردید نداشتند؛ به قول حافظ:

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم
 بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

امام حسین علیه السلام، حر را از تعلقات مادی و وابستگی‌ها و اطاعت ستم‌پیشگان آزاد کرد و بر بالای پیکر خونینش فرمود: «تو آزادمردی، همچنان که مادرت تو را حر نامید؛ واقعاً تو در دنیا و آخرت آزاد هستی.»

زهیر بن قین بجلی از شخصیت‌های برجسته کوفه بود که به برکت نفس امام حسین علیه السلام از تعلقات دنیایی آزاد شد و به مرتبه‌ای رسید که به امام حسین علیه السلام گفت: «اگر هزار بار هم کشته شوم و زنده گردم، هرگز از یاری پسر پیغمبر علیه السلام دست برنخواهم داشت...».

من از آن روز که در بند توام آزادم
 پادشاهم، چو به دست تو اسیر افتادم

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زیارت «ناحیه مقدسه» به وی این‌گونه سلام می‌دهد: «السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ الْبَجَلِيِّ». هر کسی که در حقیقت دل به حضرت داد، از قید و بندهای شیطانی و نفسانی رها می‌شود و به آزادمردان عالم می‌پیوندد.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
 ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزادست

السَّلَامُ عَلَيَّ كَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ فِيهِ

آن کسی است که از رازونیا و مناجات باز ماند. یاران تربیت یافته امام حسین علیه السلام نیز چنین بودند؛ ابن نمای حلی در مثير الاحزان نقل می کند در شب عاشورا، گروهی از سپاهیان عمر سعد به دلیل زمزمه دل نواز مناجات و نماز شب یاران امام حسین علیه السلام ... یک باره از یزید دست کشیدند و به امام حسین علیه السلام پیوستند، و بامدادان همگی به شهادت رسیدند.

آری، سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب باوفایش به اسلام و اصول اخلاقی وفادار بودند؛ به همین دلیل با وجود گذشت نزدیک به ۱۴۰۰ سال از نهضت عاشورای آن حضرت، هر سال و هر روز شور مردم بیشتر می شود.

حضرت زینب علیها السلام پاسدار انقلاب کربلا. خطاب به یزید فرمود: فَكِدْ كَيْدَكَ وَاسِعَ سَعِيكَ ... فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحْيَنَا ... ای یزید، هر نیرنگی که خواهی بزن و هر اقدامی که توانی، بکن و هر کوششی که داری، دریغ مدار؛ سوگند به خدا، که نمی توانی نام ما را محو کنی. و نمی توانی نور وحی ما را خاموش نمایی، تو نمی توانی عظمت امر ما را درک کنی و ننگ این ستم را هرگز از خود نتوانی زدود.

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت

دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور

از دیگر اصول اخلاقی و انسانی عاشوراییان می توان به این موارد اشاره کرد: اصل جوانمردی، اصل رحمت

الحسین علیه السلام است که بدون آن قیام عاشورا معنایی ندارد. اصولاً هیچ کسی نمی تواند الگوی خودسازی برای دیگران باشد، مگر اینکه خودش در خودسازی به مرتبه والا برسد. به قول عبدالرحمن جامی:

ذات نایافته از هستی بخش

چون تواند که بود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی

ناید از وی صفت آب دهی

تهذیب نفس و ارتباط همیشگی با مبدأ عالم هستی، چنان برای آن گرامی اهمیت داشت که یک شب برای تعالی نفس بیشتر خود از دشمن مهلت گرفت. روح پاک و معنوی امام حسین علیه السلام چنان بود که لحظه ای از یاد خدا غافل نمی شد و بخش اعظم اوقاتش را به عبادت و مناجات با پروردگار و ذکر دعا و قرائت قرآن می گذراند و این گونه به نفس خود صفا می بخشید.

نقل شده است زمانی آن حضرت کنار کعبه ایستاده و پرده کعبه را در طرف رکن اسود گرفته و با چشمانی اشک بار و ناله های جانسوز با حضرت حق مناجات می کرد و می گفت: «إلهی، أَنْعَمْتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا...؛ خداوندا، نعمتم دادی، اما مرا شکرگزار نیافتی...» و این اثر دعا و ارتباط با قادر متعال بود که سیدالشهدا علیه السلام در مقابل طاغوت ها و آن همه مصایب و مشلات با شهامت و شجاعت ایستادگی می کرد. امام حسین علیه السلام می فرماید: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ؛ ناتوان ترین مردم

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ كَمَا أَهْلَكُمُ الْبُيُوتُ

- و مدارا، اصل حق طلبی، اصل ترویج معروف و ستیز با منکر، اصل صبر و استقامت و ...
- به قلم: حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا (نخبه تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی) - مجله ره توشه - شماره هجدهم**
- کتاب نامه
قرآن کریم
۱. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ق.
 ۲. ازدی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
 ۳. أمین، سید محسن، أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
 ۴. پاک نیا، عبدالکریم، نگاهی به خطبه های حضرت زینب علیها السلام، بی جا: فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۰ش.
 ۵. جمعی از نویسندگان، موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام، قم: معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۳ش.
 ۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
 ۷. حلی، جعفر، ابن نما، مثير الأحران، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
 ۸. سماوی خوارزمی، محمد، مقتل الحسین علیه السلام،
- بی جا: انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق
۹. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، بوشهر: موعود اسلام، ۱۳۹۲ش.
 ۱۰. طبری، ابن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بی جا: دار التراث، بی تا.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، لبنان: الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
 ۱۳. مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، بیروت: موسسه الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
 ۱۴. نجمی، محمدصادق، سخنان حسین بن علی (از مدینه تا کربلا)، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۲ش.
 ۱۵. هاشمی نژاد، عبدالکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت، تهران: شمس فراهانی، ۱۳۹۲ش.

وَاللَّهُ
أَعْلَمُ
بِأَسْمَائِهِ
وَأَسْمَاءِ
أَوْلِيَائِهِ
وَأَسْمَاءِ
أَوْلِيَاءِ
أَوْلِيَائِهِ

وَاللَّهُ
أَعْلَمُ
بِأَسْمَائِهِ
وَأَسْمَاءِ
أَوْلِيَائِهِ
وَأَسْمَاءِ
أَوْلِيَاءِ
أَوْلِيَائِهِ

وَاللَّهُ
أَعْلَمُ
بِأَسْمَائِهِ
وَأَسْمَاءِ
أَوْلِيَائِهِ
وَأَسْمَاءِ
أَوْلِيَاءِ
أَوْلِيَائِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ الْأَصْغَرَ